

او با بیان اینکه می‌شود آرمان‌خواه و در عین حال واقع‌بین بود، تاکید کرد: «واقعیت ممکن است قابل قبول نباشد، نظام حاکم در عرصه بین‌الملل نظام ظالمانه است یا حداقل از این نظام قدرت‌های مدعی و سلطه‌طلب سوءاستفاده می‌کنند، این واقعیت بدی است؛ اسرائیل یک واقعیت بد و زشت است. با اشغال روی کار آمده است و سرکوب می‌کند، می‌کشد و روی خون و آوارگی مردم با حمایت دیگران زندگی‌اش را ادامه داده است. جنایاتش را در غزه دیدیم. این واقعیت، واقعیت زشتی است. اما اگر ما چشم‌مان را ببندیم و با خیال‌پردازانه با مسئله بر‌خورد کنیم و واقعیت را نبینیم دچار مشکل می‌شویم. واقعیت‌ها همیشه قابل توجه نیست، اما باید با واقعیات مواجه شد و آنها را دید و براساس امکانات و مصالح حرکت کرد و به نفع مردم و رضایت مردم از آرمان‌ها دفاع کرد و مهم‌ترین مصلحت کشور و ملت و حتی حاکمیت، تامین نیازهای مردم و جلب رضایت آنان است و در این زمینه باید با دنیا تعامل کرد. ولی اگر واقعیت‌ها دیده نشود و متوهمانه به آنچه در دنیا می‌گذرد نگرسته شود ممکن است سیاست‌هایی در پیش گرفته شود که زیان آن به کشور و مردم برمی‌گردد.»

او افزود: «اما آنچه لازم است حفظ کشور و پیشرفت آن و بهبود حال و روز مردم است که صاحب اصلی کشورند و این با منطق و عقل و با فرهنگ ایشان‌گری هم سازگار است. به هر حال وضع کشور خوب نیست و مردم هم نگاه می‌کنند و می‌گویند بعد از آمدن آقای پزشکیان بر تورم، قیمت دلار و ناترازی‌ها افزوده شده است. ولی جوابگوی این وضع در درجه اول جریانی است که کشور را به این حال و روز مبتلا کردند و امروز در آغاز دولت آقای پزشکیان مشکلات بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده است. ولی این به این معنی نیست که دولت جدید هم هیچ عیب و مشکلی ندارد. من معتقدم آقای پزشکیان شعارهایی داشته است که از خواست و نیاز مردم پایین‌تر بود ولی چشم‌اندازی به آینده کشور نشان داد که در آن وضع کشور بهتر شود و خطرات رفع گردد و ضریب امنیت کشور بالا برود و مردم و جوانان به آینده امیدوار شدند یا لااقل نوسیدی‌شان کمتر شد. من بر این باورم که بخش قابل توجهی از مردم که رأی دادند به این امید آمدند و حتی کسانی که رأی ندادند و می‌خواهند زندگی آرام و خوبی داشته باشند و وابسته به یک جناح و جریان نیستند، کورسوی امید را در دلشان پیدا شد که اصلاحات حداقلی می‌تواند وضع را بهبود ببخشد.»

خاتمی با اشاره به اینکه در این موقعیت حساس نظر مثبت رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور و اعتماد متقابل حاکمیت و دولت امر مغتنمی است، بیان کرد: «ولی برای رهایی از مشکلات باید دو شرط رعایت شود؛ اول اینکه اصل حاکمیت این را بپذیرد که تغییر و اصلاح لازم است و به لوازم آن تن داده شود. من نمی‌گویم بروند همان مخالفان دولت و اصلاح امور را ببینند. ولی آنکه اصلاح را می‌خواهد محکوم نشود و تحت فشار قرار نگیرد، تعبیری هست

که می‌گوید من با فاشیسم مخالفم اما تلاش می‌کنم که فاشیست هم بتواند حرفش را بزند. اصلاً آزادی یعنی این. اما نمی‌گویم کسانی که نظر ما یا نظر مخالف ما را دارند حرفی زنند. اما اینکه صدای بلند در این کشور برای آنان باشد که می‌گفتند تحریم نعمت است و امروز با صدای بلند می‌کوشند همه چیز را به گردن کسانی بیاندازند که مردم برای آنکه اینها نیایند، آنها را انتخاب کردند. این قابل قبول نیست. تغییر در صورتی رخ می‌دهد که در این وضع تغییراتی ایجاد شود و اگر حصرها، دستگیری‌ها، محدودیت‌ها و... تداوم پیدا کند و با خالص‌سازی که در دانشگاه‌ها بود و در جاهای دیگر هم کم و بیش بود اگر اینها بیشتر شود یا حل نشود، مشکل دوچندان خواهد شد. و گرچه معتقدیم دولت کارهای خوبی کرده است ولی تمام نیروهای معتقد به نظام باید متقاعد شوند که برای تحقق شعارهای حداقلی اقدام کنند و زمینه عملی شدن قول‌ها و وعده‌ها را فراهم کنند.»

اصلاحات انقلاب نیست

او در تشریح دومین شرط رهایی از مشکلات، گفت: «دولت هم باید توان فکری و توان عملی برای برنامه‌ریزی این کارها را داشته باشد. باید در همه زمینه‌ها برنامه‌ریزی کند و جامعه باید احساس کند رویکرد متفاوت اتخاذ شده است. مردم ما تحمل دارند و می‌دانند یک‌شبه نمی‌شود تورم پنجاه درصد را به زیر ده درصد کاهش داد. روابط خارجی در این زمینه بسیار تاثیرگذار است. کشور در زمان بر جام نفس کشید. قراردادهایی بسته شد و فضای نسبتاً بازی در جامعه ایجاد شد. رئیس‌جمهور باید بتواند قانع و برنامه‌ریزی کند و از انسان‌های توانمند در اجرای برنامه‌ها از جمله رفع تحریم یا کم‌اثرتر شدن آن استفاده کند. اگر دولت جدید نقطه امیدی در دل مردم ایجاد کرد، باید سعی کنیم این امید از بین نرود. در عین حال که از دولت حمایت می‌کنید مطالبه‌گر هم باشید. اگر دولت جدید نقطه امیدی در دل مردم ایجاد کرد باید سعی کنیم این امید از بین نرود. کار شما این است که در عین حال که از دولت حمایت می‌کنید مطالبه‌گر هم باشید. مطالبه در حد همان شعارهایی که داده شد و مردم رأی دادند و البته دولت هم باید تعامل و گفت‌وگو کند. من نمی‌خواهم نظم کشور به‌هم بریزد و برای این باید اصلاحات را پذیرفت و در جهت آن حرکت کرد. اصلاحات، انقلاب نیست. باید سعی کنیم این چراغ کوچک روشن شده، حداقل خاموش نشود و احزاب و گروه‌ها هم که دلشان می‌سوزد مطالبه‌گری و فکر کنند و راهکار نشان دهند که امیدی که مردم به شعارها بستند با عملی شدن آنها بیشتر شود. دولت و رئیس‌جمهور هم متوجه باشند که نه‌تنها از شعارهایی که داده‌اند برگردند و چیزهایی نگویند و کارهایی نکنند که خلاف آن شعارها است بلکه همه فکر و تلاش خود را برای عملی شدن آن اصلاحات حداقلی به کار گیرند.»

خرید گاز از روسیه ببینیم و چه بار مالی جنگ و مسئله مهاجرین را در مرکز توجه قرار بدهیم، این‌ها مربوط به قبل از آمدن ترامپ است. حالا ترامپ در آمریکابه قدرت برگشته و هر قومی محاسبه می‌کند که دولت در قدرت، چقدر برای منافع ملی و مصالح آن مردم مفید است. این موضوع را باید بدون در نظر گرفتن گرایش‌ات حزبی مردم نگاه کرد. آلمانی‌ها دیدند که خسارت‌های زیادی از جنگ اوکراین به آن‌ها وارد شد و ترامپ هم اروپا سبزی است. در دوره قبل هم این سیاست اروپا سبزی ترامپ بیشتر گریبان آلمان و فرانسه را گرفت.»

او ادامه داد: «در تحلیل اینکه چرا اقبال به سیاست‌های راست‌گرایانه بیشتر شده، ابتدا باید به این نقطه توجه کنیم که این موج از قبل وجود داشته است. زمانی که راست‌گرایان در کشورهای بزرگ و مقتدر سر کار می‌آیند، در قدرت گرفتن احزاب هم‌نام و هم‌سک خود در کشورهای دیگر تاثیر می‌گذارند. با توجه به آمدن ترامپ و سیاست‌هایش، احتمالاً این موج قدرت گرفتن راست‌ها در کشورهای مختلف اروپایی ادامه پیدا کند.»

این تحلیل‌گر حوزه بین الملل در توضیح تاثیر ترامپ بر پیروزی راست‌گرایان گفت: «همکاری‌های دموکرات‌ها و بایدن با اروپایی‌ها موجب نارااحتی ترامپ شده بود. او پس از تهدیداتی که نسبت به گرینلند (متعلق به دانمارک) داشت، اولین گامی که برداشت، حرکتی بود که در ریاض کرد. با روس‌ها در عربستان پای یک میز نشستند و جایی برای اروپا و اوکراین نبود. آن‌ها می‌گویند دنبال پایان دادن به این نزاع هستند. اما مهم است که چطور می‌خواهند آن را به پایان برسانند. به نفع خود‌ها تمام‌شود؟ اوکراینی‌ها یا اروپایی‌ها؟ تمام این فاکتورها بر آنچه در آینده میان اروپا و آمریکا پیش می‌آید، تاثیرگذار است. این دیپلمات بازنشسته درباره تاثیر تغییر جریان حاکم بر آلمان بر ارتباط با ایران نیز خاطرنشان کرد: «سابقه نگاه جمهوری اسلامی به موضوع اروپا و آمریکا در چند سال اخیر مقداری تغییر کرده است. همیشه نظر کشور ما این بود که آمریکا ناسازگار و مداخله‌گر است و اروپا را برای کار کردن ترجیح می‌دادیم. نسبتاً هم موفق بودیم. ولی متأسفانه می‌توان گفت از زمان جنگ اوکراین وطمعانی که اروپایی‌ها از لحاظ امنیتی و اقتصادی از این بحران دیدند، تصورشان این بود که ایران در کنار روسیه است. این موضوع منجر به دلخوری اروپایی‌ها از ما شد. الان می‌بینیم در موضوع هسته‌ای، متولی و مدعی فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اروپایی‌ها هستند. به نظرم اقدام آنان، جوابی به موضوع اوکراین است. به نظرم ما نباید نسبت به اروپا این‌طور عمل می‌کردیم. نه اینکه آن‌ها در این میان مقصر نیستند. اما اینکه یک مجموعه تحت عنوان غرب تعریف کنیم و بگوییم گفت‌وگو و بده‌بستانی با آن‌ها نمی‌کنیم، صحیح نیست. به نظرم برای سیاستگذاری و تحلیل آنچه در اروپا رخ می‌دهد و به ایران نیز ارتباط پیدا می‌کند، باید مقداری به تغییراتی که در سطح ژئوپلیتیک در جهان رخ می‌دهد نگاه کنیم. امیدوارم سیاستمداران شاغل ما این مسائل را با چشمان بازتر دنبال کنند. شعارها را برای افکار عمومی بدهند اما منافع کشور را غیرشعاری نگاه کنند.»

جریان راست افراطی، اروپا را تابع آمریکا می‌کند

سهراب سعادالدین، کارشناس مسائل اروپا نیز به هم‌میهن گفت: «روند رشد احزاب راست افراطی در اروپا، روندی است که از چند سال قبل شروع شده و با یک شیب روبه بالا ادامه داشته است. با توجه به حمایت‌هایی که دولت جدید آمریکا از این جریان داشته و به دلیل وضعیت داخلی اروپا از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، این شیب تندتر شده است. بخش اقتصادی را باید از زاویه جنگ اوکراین دید و موضوع اجتماعی نیز به‌وقایعی اشاره دارد که



دولت ترامپ را چگونه به کار می‌گیرند.»



محمدرضا ثقفی



بازتاب

واکنش روابط عمومی وزارت اقتصاد به سر مقاله هم‌میهن:

سیاستگذاری ارزی تکلیف قانونی بوده است

ترسیم سیاست‌های ارزی جدید سوق داد و به تبع سیاستگذاری مالی در هماهنگی با سیاستگذار پولی کشور کوشید تا در مسیر بازگشت به ریل قانون، مسیر دولت هموار شود.

ناگفته نماند که وزارت اقتصاد تلاش کردن در چار چوب وظایف قانونی خود، تامین مالی غیرتورمی و تنوع‌بخشی به تامین مالی تولید، عادلانه کردن و تحقق درآمدهای مالیاتی را دنبال کرد. برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت برای غلبه بر این بحران‌ها وظایفی را بر عهده وزارت اقتصاد قرار داده است که یکی از این موارد مربوط به تامین مالی به‌عنوان یکی از مهمترین پیش‌نیازهای رشد اقتصادی است.

بر همین اساس وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت چهاردهم در حوزه مدیریت مالی دولت بر تامین مالی غیرتورمی و انضباط مالی متمرکز بوده است. وزارت امور اقتصاد و دارایی در راستای تکالیف محوله مبنی بر تأمین مالی ۷۰ درصد بودجه عمومی دولت، همواره با چالش‌هایی در حوزه وصول منابع عمومی دولت مواجه بوده است. پس از استقرار دولت چهاردهم و تاکید بر کنترل رویکردهای تورمی، باطبیع موضوع تامین مالی غیرتورمی و اجتناب از منابع پایه پولی در تأمین ناترازی‌های بودجه در اولویت کاری وزارت امور اقتصادی و دارایی قرارگرفت. بررسی وضعیت تامین مالی اعتبارات عمومی دولت نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از منابع پیش بینی شده بودجه و هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۴۰۳ در ۵ ماهه فعالیت دولت چهاردهم تامین مالی شده است. در همین حال در حالی که در ۴ ماهه عمر دولت قبل تنها ۱۷ درصد منابع مصوب سال از بودجه عمومی تامین شده بود. در ۵ ماهه دولت چهاردهم ۴۸ درصد منابع تامین شده و بهبود ۳۱ درصدی داشته است.

رشد ۴۵ درصدی بازار سرمایه و همچنین ۱۱۶ همت نقدینگی به جای تزریق به بازارهای غیررسمی و ایجاد التهاب و شوک در آن بازارها به سمت صندوق‌های طلا و معاملات گواهی سپرده شمش طلا در ماه‌های آغازین دولت چهاردهم گواهی بر کارنامه مثبت وزارت اقتصاد است. این تلاش‌ها در شریاطی انجام شده که دولت در یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار است که با آمدن ترامپ و اعمال تحریم‌های بیشتر تشدید شده است. با این حال با توجه به اینکه ۶ ماهه از عمر دولت گذشته، این ریل گذاری می‌تواند بهبود تدریجی شرایط را محقق کند.

اصلاح سیاست‌های ارزی تصمیمی بوده که در سطح سران قوا و برای بازگشت به مسیر قانون و انحراف مدیریت ارزی از اسناد بالادستی اتخاذ شده است؛ ریل گذاری صحیح و حفظ ثبات کشور مهمترین نیاز کشور در میانه جنگ اقتصادی و تشدید تحریم‌های ظالمانه آمریکا است.

به گزارش شادا، مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی در پاسخ به مطالب روزنامه جهان صنعت با تیتريهای «گام‌های ارزان همتی»، «پرسش از پزشکيان درباره دلار و مردم» و «فقط مردم نامحرم هستند» و همچنین روزنامه جوان با تیتیر «مدیران دلار تثبیت شدند»، روزنامه وطن امروز با تیتیر «موعد بازخواست»، روزنامه جهان صنعت با تیتیر «پرسش از پزشکيان درباره دلار و مردم» و روزنامه هم‌میهن با تیتیر «تکرار داستان تلخ» توضیحاتی به شرح زیر داد: اقتصاد ایران دوره‌های متعدد و مکرر تثبیت و جهش نرخ ارز را تجربه کرده است و هر چند که نظام چندنرخي ارز موجب‌ات بروز رانت و فساد را ایجاد می‌کند اما شرایط خاص کشور موجب شد تا دولت از سال ۱۳۹۷ نظام چندنرخ‌ی را طراحی کند؛ نظامی که در عین مغایر بودن با اسناد بالادستی موجب بروز رانت و کم‌اظهاری در صادرات و بیش‌اظهاری در واردات را فراهم کرده بود.

این در حالی است که بند (۱۹) سیاست‌هایی کلی اقتصادی مقاومتی مبنی بر عدم ایجاد بستر فساد در حوزه ارزی و تجاری، بند (ت) ماده (۲۰) قانون احکام دائمی و بند (الف) ماده (۴۴) قانون بانک مرکزی مبنی بر نظام ارزی «شناور مدیریت شده» و همچنین هدف کمی رشد متوسط سالانه صادرات غیرنفتی به میزان ۲۳ درصد مواردی است که مدیریت بازار ارز در مغایرت با آنها شکل گرفته بود. تعیین نرخ دستوری ارز در سامانه نیما، مشکل بازگشت ارز صادرکنندگان غیر عمده در چرخه رسمی ارزی به دلیل نرخ دستوری نیما، تعدد نرخ‌های رسمی، توزیع رانت، ایجاد بستر فساد و انفعال در رهبری قیمت در بازار غیررسمی، آسیب‌هایی بود که دولت را به ناچار به اصلاح سیاست‌های ارزی می‌کرد. حداقل کردن نرخ‌های ارز موجود در نظام رسمی ارز کشور و کاهش فاصله نرخ‌ها و تغییر ساختار بازار متشکل ارزی به بستری برای کشف نرخ عمده اسکناس و به دست‌گرفتن رهبری قیمت توسط بانک مرکزی راهکارهایی بود که حتی مجلس هم بر آنها تاکید کرده و پیش پای دولت گذاشته بود. همین الزامات بود که سران قوا را به